



مبانی اندیشه اسلامی-۳: انسان شناسی ● صفدر الهی راد ● قم:
انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۹۸ ●
۱-۲۱۲-۴۴۴-۶۰۰-۹۷۸: ISBN ● کتاب نامه در پایان کتاب
و هم چنین به صورت زیرنویس ● ۱. انسان (اسلام) - بررسی و
شناخت ● ۲. وحی (اسلام) - بررسی و شناخت ● ۳. نبوت - بررسی
و شناخت ● ۴. قرآن - بررسی و شناخت ● ۵. امامت - بررسی
و شناخت ● الف. عنوان. ب. فروست ● ۸ الف/۲/۲۲۶ BP

سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی (۳)

انسان‌شناسی

مفدر الهی‌راد، استادیار

گروه کلام و فلسفه

دین مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی رحمته

انسان شناسی: سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی ۳ (ویراست سوم)

مؤلف: صفدر الهی راد

ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته

ویراستار محتوایی: علیرضا تاجیک

صفحه آرا: مجید بزم آرا

چاپ: نگارش

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۸

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۲۱۲-۱

۱۳	مقدمه
۱۵	مقدمهٔ معاونت پژوهش
۱۸	مقدمهٔ مؤلف
۲۱	درس اول: کلیات
۲۳	تعریف انسان‌شناسی
۲۴	روش بحث در انسان‌شناسی
۲۵	اهمیت و ضرورت انسان‌شناسی
۲۵	۱. تأثیر شناخت انسان در تعیین هدف و جهت حرکت و سیر حیاتی
۲۶	۲. تأثیر نوع نگاه به انسان در تشخیص ناهنجاری‌های اجتماعی و راه برون‌رفت از آنها
۲۶	۳. تأثیر نوع نگاه به انسان در شکل‌گیری علوم انسانی و نظام‌سازی اجتماعی
۲۷	جایگاه انسان‌شناسی در منظومهٔ مبانی اندیشهٔ اسلامی
۲۷	۱. نسبت انسان‌شناسی با مبانی پیشین
۲۹	۲. نسبت انسان‌شناسی با مبانی بعدی
۳۱	سیر مباحث انسان‌شناسی
۳۱	۱. ارتباط میان مباحث هستی‌شناسانه و راه‌شناسانهٔ انسان
۳۲	۲. سیر مباحث هستی‌شناسانهٔ انسان
۳۴	۳. سیر مباحث راه‌شناسانهٔ انسان
۳۶	خلاصه
۳۷	پرسش‌ها
۳۸	پی‌نوشت‌ها

۳۹	درس دوم: ساحت‌های وجودی انسان
۴۲	ساحت‌های دوگانه
۴۲	معنای مجرد و مادی
۴۳	ادلهٔ عقلی وجود روح (نفس مجرد) برای انسان
۴۳	دلیل اول: تقسیم‌ناپذیری من
۴۵	دلیل دوم: وحدت هویت
۴۷	دلیل سوم: تجرد پدیده‌های درونی
۴۷	الف) تجرد علم
۴۸	اثبات تجرد علم
۴۹	ابطال حلول امر مجرد در امر مادی
۵۰	ب) تجرد سایر امور درونی
۵۱	شواهد تجربی وجود نفس
۵۳	رابطهٔ نفس و بدن
۵۳	امکان‌ناپذیری نفوذ و حلول نفس در بدن
۵۴	نوع رابطهٔ نفس و بدن
۵۷	خلاصه
۵۸	پرسش‌ها
۵۸	منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۶۰	پی‌نوشت‌ها
۶۵	درس سوم: اصالت و سرشت نفس
۶۸	اصالت نفس
۷۱	سرشت نفس
۷۲	ابعاد سرشت نفس
۷۳	۱. بُعد بینشی
۷۴	۲. بُعد گرایشی
۷۷	۳. بُعد توانشی
۷۷	الف) قوهٔ عقل
۷۸	ب) اختیار یا توانایی انتخاب آگاهانه
۷۸	معانی اختیار انسان

۸۰	دلیل اختیار انسان
۸۱	نقش عوامل بیرونی در اختیار انسان
۸۳	ج) قدرت خودسازی
۸۵	خلاصه
۸۶	پرسش‌ها
۸۶	منابعی برای مطالعه بیشتر
۸۸	پی‌نوشت‌ها
۹۱	درس چهارم: بقای نفس
۹۴	امکان بقای نفس پس از مرگ
۹۴	دلیل نخست: تجرد نفس
۹۶	دلیل دوم: عدم تغییر هویت ثابت نفس به رغم تغییر بدن
۹۷	ضرورت بقای نفس
۹۸	برهان حکمت
۹۹	برهان عدالت
۱۰۱	خلاصه
۱۰۱	پرسش‌ها
۱۰۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۰۴	پی‌نوشت‌ها
۱۰۵	درس پنجم: هدف آفرینش انسان
۱۰۸	انگیزه‌های پرسش از فلسفه آفرینش
۱۰۹	معنای هدف
۱۱۰	حب ذات؛ منشأ خواست
۱۱۱	هدف معقول و غیر معقول
۱۱۲	هدف آفرینش جهان
۱۱۳	هدف آفرینش انسان
۱۱۷	هدف داری زندگی
۱۱۸	نامالیقات و جایگاه آن در هدف داری زندگی
۱۲۰	خلاصه

۱۲۱	پرسش‌ها
۱۲۱	منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۱۲۳	پی‌نوشت‌ها
۱۲۵	درس ششم: دین؛ راه سعادت انسان
۱۲۷	ضرورت وجود راه سعادت برای انسان
۱۲۹	راه‌های عادی شناخت
۱۳۰	ضرورت وجود راه فراعادی شناخت
۱۳۵	قلمرو دین
۱۳۶	حوزه‌های فردی و اجتماعی دین
۱۳۸	ضرورت دسترسی انسان به راه سعادت
۱۳۸	چگونگی دسترسی انسان به راه فراعادی سعادت
۱۳۸	ضرورت وجود پیامبر
۱۳۹	راه‌های اثبات پیامبر
۱۴۰	۱. اعجاز
۱۴۱	تعریف معجزه
۱۴۲	چگونگی دلالت معجزه بر راست‌گویی مدعیان پیامبری
۱۴۲	۲. معرفی سایر پیامبران
۱۴۳	عصمت پیامبر
۱۴۵	قلمرو عصمت پیامبر
۱۴۶	شئون پیامبر معصوم
۱۴۶	مرجعیت دینی
۱۴۷	زعامت و رهبری
۱۴۸	خلاصه
۱۴۹	پرسش‌ها
۱۴۹	منابعی برای مطالعهٔ بیشتر
۱۵۲	پی‌نوشت‌ها
۱۵۵	درس هفتم: حقانیت دین اسلام
۱۵۹	معجزهٔ آخرین پیامبر الهی

۱۵۹	استدلال بر معجزه بودن قرآن کریم
۱۶۱	تحدی قرآن
۱۶۲	ابعاد و وجوه اعجاز قرآن
۱۶۵	۱. فصاحت و بلاغت
۱۶۸	۲. عدم اختلاف در قرآن
۱۶۹	شرایط و عوامل زمینه‌ساز اختلاف
۱۶۹	ویژگی‌های انسان
۱۷۰	ویژگی‌های قرآن
۱۷۱	انگاره تحریف قرآن
۱۷۱	معنای تحریف قرآن
۱۷۲	ادله تحریف‌ناپذیری قرآن
۱۷۳	۱. دلیل عقلی
۱۷۴	۲. ادله قرآنی
۱۷۴	الف) آیه حفظ
۱۷۵	ب) آیه عزت
۱۷۶	۳. ادله روایی
۱۷۸	خلاصه
۱۷۹	پرسش‌ها
۱۷۹	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۸۱	پی‌نوشت‌ها
۱۸۵	درس هشتم: خاتمیت دین اسلام (۱)
۱۸۸	اثبات خاتمیت اسلام
۱۹۰	تحلیل معنای خاتمیت
۱۹۲	لوازم خاتمیت اسلام
۱۹۲	جاودانگی دین خاتم
۱۹۴	عوامل پویایی و جاودانگی اسلام
۱۹۴	محوریت اهداف و روح زندگی بشر
۱۹۵	وضع قوانین ثابت برای نیازهای ثابت، و قوانین متغیر برای نیازهای متغیر
۱۹۶	قاعده اهم و مهم

۱۹۷	تشریح احکام اولیه و ثانویه
۱۹۷	اجتهاد
۱۹۸	قرآن
۱۹۸	سنت
۱۹۸	عقل
۱۹۹	اختیارات ویژه حاکم اسلامی (ولّی فقیه)
۲۰۰	خلاصه
۲۰۱	پرسش‌ها
۲۰۱	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۰۲	پی‌نوشت‌ها
۲۰۵	درس نهم: خاتمیت دین اسلام (۲)
۲۰۸	جامعیت دین خاتم
۲۰۸	دیدگاه‌ها درباره جامعیت اسلام
۲۰۸	۱. دیدگاه برگزیده
۲۱۰	اثبات جامعیت اسلام
۲۱۰	دلیل عقلی
۲۱۰	ادله نقلی
۲۱۲	۲. دیدگاه حداکثری
۲۱۶	۳. دیدگاه حداقلی (سکولاریسم)
۲۱۸	ادله سکولاریسم
۲۱۸	دلیل اول: تغییرناپذیری ذاتیات
۲۲۰	دلیل دوم: هدف دین تأمین سعادت اخروی است
۲۲۲	دلیل سوم: ثبات دین و تحول مناسبات اجتماعی
۲۲۳	بررسی کلی سکولاریسم
۲۲۴	۱. جهان بینی توحیدی و سکولاریسم
۲۲۵	۲. متون اسلامی و سکولاریسم
۲۲۷	خلاصه
۲۲۷	پرسش‌ها
۲۲۸	منابعی برای مطالعه بیشتر

۲۳۰	پی‌نوشت‌ها
۲۳۱	درس دهم: امامت
۲۳۵	معنای امامت
۲۳۶	ضرورت وجود امام
۲۳۷	۱. مرجعیت دینی
۲۳۷	۲. زعامت سیاسی
۲۳۸	الف) حفظ نظام اجتماعی
۲۳۸	ب) اجرای مقررات دینی
۲۴۰	شرایط و ویژگی‌های امام
۲۴۱	۱. عصمت
۲۴۱	الف) دلیل عقلی
۲۴۲	ب) ادله نقلی
۲۴۲	آیه اولی الامر
۲۴۴	حدیث ثقلین
۲۴۶	۲. علم خدادادی
۲۴۹	۳. افضلیت
۲۵۰	راه تعیین امام
۲۵۲	۱. ادله عقلی
۲۵۲	عصمت، علم خدادادی و افضلیت امام
۲۵۳	توحید و مالکیت الهی
۲۵۴	۲. ادله نقلی
۲۵۸	امام غایب
۲۶۱	خلاصه
۲۶۲	پرسش‌ها
۲۶۲	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۶۴	پی‌نوشت‌ها
۲۶۵	منابع

مقدمه

● مقدمهٔ معاونت پژوهش

● مقدمهٔ مؤلف

مقدمه

مقدمهٔ معاونت پژوهش

حقیقت اصیل‌ترین، جاودانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسلهٔ مؤمنان و عالمان صادق چه جان‌ها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل‌پرستان چه توطئه‌ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ‌واقعیتی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین‌حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین‌رفتنی و نگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، امداد کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصهٔ نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانهٔ دنیا رسته‌اند، و در این میان نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان برحق و گرامی او علیه السلام، برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیرهٔ آن پیشوایان و عرضهٔ آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت‌پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشارِ فزون از شمارِ آثار نوشتاری و

دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفتهٔ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشواری‌تر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامهٔ درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینهٔ علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌کوشند تا با فعالیت‌های روزافزونشان مقام شایستهٔ خویش را در صحنهٔ علمی بین‌المللی بازابند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرزوبوم آن‌گونه که شایستهٔ نظام اسلامی است به بار ننشسته و آنان گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان ردپای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرچالش درپیش است. از این‌رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازمان‌دهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌السلام از آغاز تأسیس براساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم‌شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی دامنه‌السلام به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته

است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در قلمرو انسان‌شناسی که با تلاش پژوهشگر ارجمند جناب حجت‌الاسلام دکتر صفدر الهی راد نگارش یافته است. هدف اصلی نویسنده ارائه مهم‌ترین مباحث انسان‌شناسی به منظور تبیین مبانی اندیشه اسلامی است.

معاونت پژوهش از مؤلف محترم و حجج اسلام والمسلمین آقایان محمود فتحعلی، دکتر احمدحسین شریفی و دکتر مجتبی مصباح که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

مقدمه مؤلف

شناخت خویشتن یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری انسان است؛ اینکه حقیقت وجودی‌اش چیست، هدف نهایی از زندگی‌اش کدام است، و از چه راهی می‌تواند به آن اهداف دست یابد. پیچیدگی‌های حیات بشر، به‌ویژه حیات اجتماعی او و همچنین مترتب بودن نحوهٔ زیست و سبک زندگی، بر این نوع شناخت‌ها، انگیزهٔ انسان را برای پی‌جویی این امور دوچندان کرده است.

جهل به خویش در ابعاد فوق، آدمی را با چالش‌های مهمی روبه‌رو ساخته است. بشر امروز در نبود انسان‌شناسی مطلوب با مکاتبی در باب حقیقت انسان مواجه شده است که حیات وی را به ابعاد صرفاً مادی و حیوانی تنزل داده‌اند و همین وضعیت به سرگردانی در حیات، بحران هویت و حتی پوچ‌گرایی انجامیده است. برخی مکاتب غربی یا غرب‌زده با سوء استفاده از جهل مردمان به حقیقت وجودی خویش، اندیشه‌های نادرست خود را در حوزه‌های نظری و عملی به آنان تحمیل کرده و بسیاری را به خودباوری غیر انسانی در مقام نظر، و رفتارهای غیر انسانی در مقام عمل، سوق داده‌اند.

راه برون‌رفت از این چالش‌ها اما، بررسی عقلی و شناخت نظام‌مند حقیقت وجودی انسان است؛ شناختی مبتنی بر ملاک‌های صحیح معرفت‌شناختی که بتواند حقیقت و جایگاه انسان را در نسبت با اساس نظام هستی، یعنی خدای متعال، تحلیل کند.

کتاب پیش رو می‌کوشد به روش عقلی و با استفاده از معیارهای دقیق معرفت‌شناختی و به‌صورتی نظام‌مند به این پرسش‌ها پاسخ دهد که «آیا وجود انسان به جنبهٔ صرفاً مادی محدود است و حقیقت وجودی او همین بدن مادی است، یا افزون بر این بدن مادی از حقیقتی فرامادی نیز برخوردار است؟»، «با توجه به پرسش

نخست، آیا هدف حیات انسان رسیدن به رفاه و لذت‌های مادی است یا هدفی مهم‌تر برای او متصور است؟»، «در صورتی که سعادت انسان فرامادی و ابدی باشد، راه رسیدن به این سعادت کدام است؟» در صورتی که نتوانیم پاسخ‌های درخوری برای این پرسش‌ها بیابیم، هیچ ملاک واقعی برای تعیین ارزش‌های مطلوب و رفتارهای صحیح نخواهیم داشت، و به همین دلیل، نمی‌توانیم درباره دیدگاه‌ها و رفتارهای اخلاقی خویش و دیگران داوری داشته باشیم. همچنین نمی‌توان از دیدگاه یا رفتار حقوقی خاصی دفاع کرد یا آن را باطل دانست. همین‌طور است داوری در باب امور سیاسی، هنری، تربیتی و سایر عرصه‌های مربوط به حیات انسان.

با هدف دستیابی به راهکار مزبور، اثر پیش رو، که سومین بخش از محورهای شش‌گانه اندیشه‌های بنیادین و نظام‌مند اسلامی به شمار می‌آید، در قالب ده درس تدوین شده است. ارتباط منطقی سرفصل‌های این کتاب و همچنین نسبت آن با سایر محورهای اندیشه‌های بنیادین، در درس نخست بیان شده است. به اختصار می‌توان گفت «انسان‌شناسی» از جهت نیاز به ملاک صحیح شناختی، بر محور نخست یعنی «معرفت‌شناسی» مبتنی است. همچنین برخی مباحث «انسان‌شناسی» همچون ضرورت حیات پس از مرگ، هدف نهایی انسان، و ضرورت وجود دین بر مباحث «خداشناسی» تکیه دارد. از سوی دیگر نیز، با توجه به تأثیر نوع نگاه به انسان در تعیین هنجارهایی همچون ارزش و لزوم اخلاقی، ملاک حق، سیاست مطلوب و مشروعیت سیاسی، «انسان‌شناسی» مبنایی برای محورهای بعد، یعنی «فلسفه اخلاق»، «فلسفه حقوق» و «فلسفه سیاست» به شمار می‌آید.

کتاب حاضر برای دو واحد درسی تنظیم شده است. گرچه کوشیده‌ایم در این مجال محدود، مباحث از جامعیت لازم و ساده بودن در فهم برخوردار باشند، ولی برای فهم دقیق محتوا و حل پاره‌ای اشکال‌ها و شبهه‌های مربوط و به‌ویژه برای

بررسی تخصصی و تفصیلی محتوا، شرکت در کلاس و همراهی با استاد متخصص این مباحث لازم به نظر می‌رسد.

در پایان لازم می‌دانم زحمات همه بزرگان و استادان سهیم در شکل‌گیری این منظومه فکری و مباحث بنیادین را ارج نهم و از ایشان سپاسگزاری کنم: نخست گرامی می‌دارم میراث علمی بزرگانی همانند علامه طباطبایی و علامه شهید مطهری - رضوان الله علیهما - و به‌ویژه استاد گران‌قدر علامه مصباح رحمته الله که میراث‌دار این مکتب فکری و بنیان‌گذار این منظومه منسجم‌اند و با مطالعه کامل آن و بیان نکات دقیق و بسیار ارزشمندشان، نگارنده را در غنا بخشیدن به مباحث بهره‌مند فرمودند. همچنین لازم می‌دانم از همه محققانی که در نگارش و ویراست‌های پیشین نقش آفرینی کرده‌اند و طبعاً نگارنده در تدوین، از میراث علمی ایشان بهره برده است، و از استادان گران‌قدری که با ارزیابی و نظارت اثر در غنای محتوایی آن و رفع برخی ابهام‌ها یا اشکال‌ها سهیم بوده‌اند خصوصاً حجج اسلام والمسلمین استاد محمود فتحعلی، دکتر مجتبی مصباح و دکتر احمد حسین شریفی تشکر کنم.

با سپاس از عنایات الهی، این اثر ناچیز را به بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمته الله و خلف صالح ایشان حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای رحمته الله تقدیم می‌کنم.

از خدای متعال خواستارم به کرم و فضل بی‌کران خویش این اثر ناچیز را ببیند و آن را زمینه‌ای برای بهره‌مندی جویندگان دانش و حقیقت قرار دهد.

حسبي الله ونعم الوكيل

صفدر الهی راد

تابستان ۱۳۹۸

درس اول

کلیات

از دانش پژوه انتظار می رود پس از فراگیری این درس:

۱. مقصود از انسان شناسی مورد نظر را بشناسد؛
۲. روش بحث در انسان شناسی را دریابد؛
۳. بتواند از ضرورت انسان شناسی دفاع کند؛
۴. با جایگاه انسان شناسی در منظومه معرفتی «مبانی اندیشه اسلامی» آشنا شود؛
۵. از اندیشه ای نظام مند در تحلیل وجود و غایت انسان، و راه سعادت وی برخوردار شود.

کلیات

❖ و امروز هم. مخصوصاً در یک قرن اخیر و در زمان حاضر. مسئله انسان و انسان‌شناسی و علوم مربوط به انسان، مهم‌ترین و بارزترین علوم بشری شمرده می‌شود. حال برای چه گفته‌اند خود را بشناس؟ از خودشناسی به کجا می‌رسی؟ به عبارت دیگر، خودشناسی مقدمه چیست؟ ... یک منظور همین است که خود را بشناس تا بدانی در زندگی و در جهان چه باید بکنی و چگونه باید رفتار کنی؛ یعنی اخلاق و عمل. اگر خود را نشناسی، نخواهی دانست که رفتار و اخلاق در جهان چگونه باید باشد؛ یعنی خودت چگونه باید باشی؛ چون اخلاق از آن نظر که یک سلسله ملکات است برمی‌گردد به چگونه بودن و اینکه خودت چگونه باشی و چگونه رفتار کنی. پس برای مهم‌ترین مسئله از نظر ابتلای عملی بشر که من چگونه باید باشم و چگونه باید رفتار کنم (یعنی اخلاق) خودت را بشناس^۱.

تعریف انسان‌شناسی

«انسان‌شناسی» اصطلاحی است که در حوزه‌های گوناگونی مانند قوم‌شناسی، روابط اجتماعی و زبان‌شناسی به کار می‌رود؛ ولی در اینجا به معنای دانشی

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۴۳۰-۴۳۱.

است که به تحلیل حقیقت وجودی انسان، هدف از آفرینش او و راه تحقق کمالش می‌پردازد. بر این اساس، انسان‌شناسی مورد نظر در کتاب پیش رو، می‌کوشد کمال حقیقی یا همان هدف غایی از آفرینش انسان را بر اساس دیدگاه صحیح در باب حقیقت انسان مشخص، و سپس راه درست را برای رسیدن انسان به آن هدف غایی تبیین کند. بنا بر این انسان‌شناسی در اینجا، از سوئی «هستی‌شناسی انسان» را تحلیل می‌کند و از سوی دیگر به «راه‌شناسی در نسبت با سعادت انسان» می‌پردازد.

روش بحث در انسان‌شناسی

انسان‌شناسی را با روش‌های گوناگونی می‌توان بررسی و تحلیل کرد. هر یک از اندیشمندان بر اساس روش‌های رایج میان خود و با توجه به حوزه‌های تخصصی‌شان به تحلیل انسان پرداخته‌اند: عرفا با روش شهودی و عرفانی، دانشمندان تجربی از طریق تجربه‌های علمی، عالمان دینی با استفاده از متون دینی (آیات و روایات) و فیلسوفان با استفاده از روش عقلی، تبیین و تحلیل حقیقت انسان را جویا شده‌اند. بر همین اساس، با انواع گوناگون انسان‌شناسی، اعم از شهودی، تجربی، نقلی و فلسفی مواجهیم.^(۱)

انسان‌شناسی شهودی تعمیم‌پذیر نیست و تنها برای خود فرد شهودکننده قابل درک و کشف است؛ افزون بر اینکه ممکن است در تفسیر شهودها و مکاشفات خطا رخ دهد. همچنین انسان‌شناسی تجربی، به دلیل اختصاص آن به محسوسات و در نتیجه به بُعد مادی و جسمانی انسان، و نیز خطاپذیری روش تجربی، از اتقان لازم برخوردار نیست. انسان‌شناسی نقلی نیز، که با استفاده از متون دینی به تحلیل انسان می‌پردازد، گرچه بسیار با اهمیت و سودمند است، چون خود بر حقایق

متون دینی استوار است، برای این مرحله از بحث به تهایی کافی نیست. از آنجا که در مقام بحث از مبانی اندیشه اسلامی هنوز حقانیت متون دینی علی‌الفرض اثبات نشده است، کوشیده‌ایم با استفاده از شیوه عقلی و بر اساس قواعد منطقی، به تبیین ابعاد وجودی انسان و هدف از آفرینش وی پردازیم.^(۲)

با توجه به نکات فوق، این کتاب از نظر روش‌شناسی در دو بخش تنظیم می‌شود: تا پیش از اثبات حقانیت قرآن و سنت، یعنی در مباحث مربوط به تحلیل هستی‌شناختی و اثبات وجود نفس مجرد با ویژگی‌های خاص و لوازم آن در باب مسائلی همچون ضرورت بقای نفس، هدف مطلوب در آفرینش انسان، ضرورت وجود راه سعادت انسان (دین) و ضرورت وجود آورندگان راه سعادت انسان (پیامبر و امام)، فقط از روش عقلی بهره می‌گیریم؛ ولی در بخش دوم، یعنی پس از اثبات عقلی و استدلالی آسمانی بودن قرآن، و عصمت پیامبر و امام در امور مربوط به هدایت انسان‌ها، از روش نقلی در کنار روش عقلی استفاده خواهیم کرد.

اهمیت و ضرورت انسان‌شناسی

پرداختن به مباحث انسان‌شناسی از جهات گوناگونی ضرورت و اهمیت دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تأثیر شناخت انسان در تعیین هدف و جهت حرکت و سیر حیاتی

با توجه به اینکه انسان دائماً بر سر دوراهی‌ها و چندراهی‌هایی است که باید در هر لحظه و فرصتی یکی از آنها را برگزیند، نیازمند است که هدف زندگی و نقطه ایدئال خود را بشناسد تا فعالیت‌های حیاتی خود را به سوی هدف مطلوب تعیین، و برای رسیدن به کمال مطلوب و سعادت حقیقی برنامه‌ریزی کند.

۲. تأثیر نوع نگاه به انسان در تشخیص ناهنجاری‌های اجتماعی و راه‌برون‌رفت از آنها

اگر مختصات وجودی انسان به‌درستی شناخته نشود، در زندگی فردی و اجتماعی ناهنجاری‌هایی پدید خواهد آمد که خسارت‌های جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. از باب مثال، خودبزرگ‌بینی و غرور، بی‌دینی و بسیاری مفاسد اخلاقی و اجتماعی بر اثر نگاه خودخواهانه و خودمدارانه حاکم بر بینش‌ها و نگرش‌های ناشی از آنها شکل گرفته است و به‌تدریج و در طول قرون متمادی به دیدگاه‌هایی منجر شده که جایگاه انسان را به سطوح پستی تنزل داده است. بر این اساس، پیروان نگرش فوق‌انسان را موجودی فقط مادی و زمینی قلمداد کرده‌اند و در نتیجه، هدف و کمال حقیقی او را صرفاً برخورداری از لذائذ حیوانی دانسته‌اند و بر اساس همین نگرش کوتاه‌بینانه به انسان، ناهنجاری و اباحه‌گرایی را تجویز کرده‌اند؛ چنان که او مانیسیم غربی در حوزه‌های گوناگون اخلاق، حقوق، سیاست، هنر و اقتصاد، به نابسامانی‌های خسارت‌باری انجامیده است. بر این اساس، شناخت حقیقت انسان و کمال حقیقی او، برای برون‌رفت از مشکلات فوق‌ضروری خواهد بود.

۳. تأثیر نوع نگاه به انسان در شکل‌گیری علوم انسانی و نظام‌سازی اجتماعی

«انسان» موضوع و محور علوم انسانی است، و از این رو همه مباحث این علوم باید با توجه به حقیقت انسان و سعادت حقیقی وی سامان گیرد. آیا می‌توان بدون شناختی صحیح از ابعاد وجودی انسان و ساخت‌های اصیل وجودی او، و بدون آشنایی با هدف نهایی از آفرینش وی، تحلیلی صحیح در باب علل و عوامل شکل‌گیری رفتارها و تعلیم و تربیت صحیح او ارائه داد و به راهبردهای علمی و منطقی در حوزه‌های مختلف زندگی رسید؟ نتیجه آنکه، برای رسیدن به دیدگاهی جامع در مسائل علوم انسانی به مباحث انسان‌شناسی، شامل حقیقت انسان، هدف از زندگی، تأثیر و تأثر ابعاد مختلف وجود او و مانند آنها نیاز مبرم داریم. بدین ترتیب، انسان‌شناسی مقدمه‌ای ضروری

برای نظام‌سازی ارزشی، حقوقی و سیاسی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

جایگاه انسان‌شناسی در منظومه مبانی اندیشه اسلامی

منظومه «مبانی اندیشه اسلامی» شامل محورهای شش‌گانه به هم پیوسته‌ای است که با عنوان «اندیشه‌های بنیادین» نیز از آن یاد می‌شود. این محورها به ترتیب منطقی عبارت‌اند از: معرفت‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست. همچنان که از سیر محورهای شش‌گانه پیداست، از سوی معرفت‌شناسی و خداشناسی مبنا برای انسان‌شناسی به شمار می‌آیند، و از سوی دیگر، خود انسان‌شناسی مبنا برای محورهای بعدی، یعنی فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست است. اینک به توضیح این جایگاه و ارتباط آن با بخش‌های پیشین و پسین می‌پردازیم.

۱. نسبت انسان‌شناسی با مبانی پیشین

مباحث انسان‌شناسی از سوی در معرفت‌شناسی، و از سوی دیگر در خداشناسی ریشه دارد:

الف) معرفت‌شناسی: از آنجا که شناخت حقیقت انسان، هدف از آفرینش او و استلزامات آن نیازمند ملاکی صحیح برای تشخیص معرفت صادق از غیر صادق است، باید در معرفت‌شناسی این ملاک‌ها مشخص شود. در غیر این صورت، چه وجهی برای تقدیم دیدگاه انسان‌شناختی خاصی نسبت به دیگر دیدگاه‌ها وجود خواهد داشت؟ آیا هر کسی با هر ملاک معرفتی مدعی شناخت انسان شود، باید از او پذیرفت؟ در صورتی که ملاک معرفت‌شناختی نداشته باشیم، گرفتار نسبیت و شکاکیت معرفت‌شناختی خواهیم شد، و در نتیجه، از هیچ دیدگاهی در باب تحلیل حقیقت انسان نمی‌توان دفاع کرد و به عکس هیچ دیدگاه رقیبی را نمی‌توان نفی

کرد. همچنین تأیید ادله اقامه‌شده بر «هدف نهایی از آفرینش انسان» یا «ضرورت وجود معارف فراعادی» برای رسیدن انسان به سعادت، مبتنی بر پذیرش راه تعقل و وحی و اعتبار آنها به عنوان مبانی معرفت‌شناختی مهم و مؤثر در انسان‌شناسی است. از این رو بدون برخورداری از دیدگاهی صحیح در حوزه معرفت‌شناسی (به منزله مبناي نخست در منظومه معرفتی مبانی اندیشه اسلامی) نمی‌توان هیچ دیدگاه انسان‌شناختی‌ای را تأیید یا رد کرد؛

ب) خداشناسی: مبتنی بودن انسان‌شناسی بر خداشناسی نیز اولاً از باب پاسخ به این پرسش است که آیا انسان در عالم هستی مستقل است یا وابسته؟ و در صورتی که انسان مستقل باشد، دیگر آموزه‌هایی همچون «عبادت»، «تکلیف» و «تبعیت از ارزش‌های الهی» معنایی نخواهد داشت؛ و در مقابل، زمانی که انسان را موجودی وابسته به مبدأ مستقل و هستی‌بخش بدانیم، به دلیل مالکیت مطلق مبدأ هستی‌بخش، همه شئون انسان را می‌باید بر اساس مملوکیت نسبت به آن مالک حقیقی نگریست؛ زیرا با وجود وابستگی انسان به علت هستی‌بخش، هیچ حیثیت استقلالی برای او باقی نمی‌ماند؛ ثانیاً در تبیین برخی از مهم‌ترین مباحث انسان‌شناسی و استلزامات آن مباحث، همانند «هدف از آفرینش انسان»، «ضرورت حیات پس از مرگ»، «ضرورت دین»، «ضرورت راهنمایان معصوم» و «حقانیت قرآن»، از مباحث خداشناسی استفاده می‌شود؛ چراکه اگر خدایی در کار نباشد یا خدای موجود حکیم نباشد، هر هدفی را می‌توان برای هر موجودی اعتبار کرد. برای مثال، بدون حکمت الهی، به چه دلیل باید کمال غایی انسان را در ارتباط با خداوند تعریف کرد؟ همچنین بدون باور به حکمت و عدالت الهی، ضرورت حیات پس از مرگ و ثواب و عقاب اخروی چگونه قابل اثبات است؟ ضرورت وجود دین، پیامبر و امام نیز همگی بر پذیرش حکمت الهی استوار است. بر همین اساس، پیش از ورود به انسان‌شناسی،

باید نخست در «خداشناسی» (به منزله مبنای دوم در منظومه معرفتی مبانی اندیشه اسلامی) وجود و صفات خداوند را بررسی کرد و در صورت اثبات این باورهای دینی، می‌توان به تحلیلی صحیح در باب پرسش‌های انسان‌شناسانه مزبور رسید. تا اینجا نسبت انسان‌شناسی با محورها و مبانی پیشین، و نوع اثرپذیری از آن اندیشه‌های بنیادین تبیین شد. در ادامه به تبیین چگونگی تأثیر انسان‌شناسی بر محورهای بعدی خواهیم پرداخت.

۲. نسبت انسان‌شناسی با مبانی بعدی

انسان‌شناسی از مبانی مهم اثرگذار بر سه محور بعدی، یعنی فلسفه اخلاق، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست است. آیا می‌توان بدون شناخت صحیح انسان، در باب اخلاق، حقوق و رفتارهای سیاسی او سخن گفت؟ روشن است که دیدگاه‌های گوناگون در باب حقیقت انسان و کمال غایی وی، به نتایج مشترکی در این حوزه‌های معرفتی نخواهد انجامید. در ادامه نقش انسان‌شناسی را در هر یک از این حوزه‌ها بیان می‌کنیم:

الف) فلسفه اخلاق: این دانش در پی نظام‌سازی اخلاقی است؛ به طوری که چارچوب منسجمی را برای تعیین ملاک اخلاق، نسبت مفاهیم اخلاقی با واقعیت و راه‌های کشف احکام اخلاقی به دست می‌دهد. از آنجا که مفاهیم اخلاقی همانند «خوب و بد»، «درست و نادرست» و «باید و نباید»، در ارتباط با حقیقت وجودی انسان مطرح می‌شود، تعیین ملاکی مشخص برای این امور هنجاری، به نوع دیدگاه در باب انسان بستگی دارد. برای مثال در صورتی که انسان را موجودی تک‌ساحتی (ساحت مادی) بدانیم، تنها هنجارهایی را برای او در نظر می‌گیریم که با کمال ساحت مادی او متناسب باشد؛ در برابر، اگر انسان را موجودی دوساحتی بدانیم، افزون بر ساحت مادی، باید هنجارهای ناظر به ساحت روحانی انسان نیز در نظر

گرفته شود. بر همین اساس، اصیل دانستن ساحت روحانی یا مادی نیز در تعیین نوع این هنجارها تعیین‌کننده است. وقتی ساحت روحانی انسان را اصیل بدانیم، هنجارهای ناظر به ساحت مادی نیز باید در راستای کمال ساحت روحانی تعریف شود. همچنین نوع دیدگاه در باب هدف از آفرینش انسان، در تعیین هنجارهای مربوط به انسان مهم است. وقتی کمال غایی در وجود انسان را قرب الهی بدانیم، می‌باید به ارزش‌هایی ملتزم باشیم که راه رسیدن به همان کمال‌اند؛ بر خلاف زمانی که کمال غایی انسان را رسیدن به قدرت یا رفاه مادی بدانیم. بر این اساس، انسان‌شناسی از مبانی ضروری برای فلسفه اخلاق به شمار می‌آید؛

ب) فلسفه حقوق: این دانش به دنبال تعیین چارچوبی عقلانی برای «حق» و «قوانین حقوقی» است. از آنجا که «بایدها و نبایدهای حقوقی» از مفاهیم ارزشی و هنجاری هستند، نسبتی که میان فلسفه اخلاق و انسان‌شناسی بیان شد، در فلسفه حقوق نیز مطرح است. بر همین اساس، هر دیدگاهی در باب انسان‌شناسی پذیرفته شود، بر نوع نظام حقوقی تأثیر خواهد گذاشت. برای مثال، پذیرفتن یا نپذیرفتن «اختیار» برای انسان به صورتی بنیادین در نظام حقوقی نقش‌آفرینی می‌کند؛ زیرا با پذیرش جبر، اساساً وضع قوانین حقوقی امری لغو خواهد بود. همچنین بر اساس «مادی‌انگاری» انسان و نفی ساحت روحانی او، تنها وضع قوانینی معقول است که در راستای کمال مادی وی باشد. ولی با اعتقاد به وجود ساحت روحانی و اصالت آن، همه قوانین باید در راستای حقیقت روحانی انسان وضع شوند؛ به گونه‌ای که حتی قوانین ناظر به نیازهای مادی نباید مانع کمال حقیقی انسان باشند؛

ج) فلسفه سیاست: مشروعیت سیاسی، ضرورت حکومت، شرایط حاکم و کارگزاران، شرایط قوانین حکومتی، نقش مردم در سیاست و قلمرو مشارکت سیاسی